

در این سرفصل همچنین می خوانید:

۵۲ جابه جایی هژمونی

۵۳ جهان در بهت بحران

۵۴ اوپاما و مردم افغانستان

۵۹ تحولات اقتصادی جهان

۶۰ تحولات سیاسی جهان

۶۰ طرح ماه



ناکامی از برنامه های ایالات متحد و بین المللی در افغانستان

اقتصاد افسرده

گفته این دو محقق، افغانستان به منظور رهایی از بدهی های خارجی و دستیابی به همکاری فنی و مالی کشورها و نهادهای غربی، ناگزیر به پیروی از این سیاست ها شده است.

یاتس در مورد بخش مخابراتی که نمونه خوبی از الگوی بخش خصوصی است می گوید: "اخیراً ۱۰۰ میلیون دلار به درآمد سه ماهه چهار شرکت مخابراتی در افغانستان اضافه شده و این شرکت ها، بیش از ۱/۳ میلیارد دلار در اقتصاد افغانستان سرمایه گذاری کرده اند."

وی معتقد است که افغان ها با اتکا به بخش خصوصی، می توانند به طور کامل از موفقیت های اقتصاد بازارمحور بهره مند گردند. ورود بخش خصوصی، فرصت بیشتری را برای ارائه خدمات عمومی به مردم فراهم می آورد. از طرفی با خلق فرصت های سرمایه گذاری و زمینه های جذب مالیات شرکت های خصوصی، شرایط رشد افغانستان فراهم می شود. وی همچنین بیان می کند: موفقیت بخش مخابراتی افغانستان، می تواند به عنوان الگویی برای ادامه رشد اقتصاد، مورد توجه قرار بگیرد، اما باید دید که آیا بخش مخابراتی، یک الگوی موفق است یا یک استثنا.

فقدان رقابت

نگاهی به اطراف کابل، یکی از فعال ترین مناطق اقتصادی افغانستان، بیانگر فقدان رقابت اقتصادی در این کشور می باشد.

حجم کالاهای انباشته در مغازه ها و توجه به مارک کالاهای مزبور، نشان می دهد که اغلب آنها وارداتی

در حالی که افغانستان، سرمایه گذاران را جهت مشارکت در تولید و توسعه این کشور تشویق می کند، اما توجهی به نیازهای اساسی و زیرساختی ندارد.

آمریکا تنظیم و توسط بانک جهانی، رهبری شده است که این رویکرد، افغانستان را به عنوان جامعه ای امیدوار به رشد و شکوفایی، بر مبنای حضور فعال بخش خصوصی و توسعه اقتصاد بازارمحور - که به استراتژی توسعه ملی افغانستان شهرت یافته - به عنوان یکی از اصول مسلم اقتصاد، مورد حمایت قرار داده است. با تصویب سند استراتژی توسعه ملی افغانستان، میشل یاتس، عضو هیأت مدیره آژانس توسعه بین المللی آمریکا، اعزامی به افغانستان اظهار کرد: دولت آمریکا متعهد به اعطای کمک به افغانستان در جهت دستیابی به این هدف مهم شده است.

بازسازی آزمایشگاهی

هارون میر و ادريس رحمانی، محققین مرکز مطالعات سیاست و پژوهش افغانستان، در مورد بازسازی های اقتصادی جاه طلبانه کشورهای غربی که بدون تأمل و برنامه ریزی کافی آغاز شده است، معتقدند که نهادهای بین المللی، سیاست هایی را دنبال می کنند که توسط کارشناسان خارجی مطالعه شده و برای اجرا در دولت، به آنها تحمیل گردیده است. به

پارک صنعتی مزار شریف که توسط آژانس بین المللی آمریکا و ارتش پشتیبان توسعه دولت آمریکا تأسیس شد، زمانی نویدبخش پیدایش امید در اقتصاد بازارمحور و روبه رشد افغانستان بود. اما اکنون این پارک صنعتی، خالی از هرگونه صدای ماشین آلات و فعالیت های انسانی است و در سکوت محض به سر می برد، چراکه در غیاب نیازهای اساسی مانند برق و آب، دیگر فرصتی برای موفقیت و احیا وجود ندارد. تلاش برای نوسازی افغانستان که توسط آمریکا و کشورهای غربی، به واسطه اختیار سیاسی محض و توان مشارکت مالی هنگفت صورت گرفته بود، باعث شد که افغانستان، رویکرد بازار آزاد را با مذاکرات مختصر، تحقیق اندک و شرایط مطلوب کشورهای غربی بپذیرد. حسین صدیقی، مدیر یک مؤسسه تحقیقاتی و علمی در افغانستان در این مورد می گوید: "ایدئولوژی که چارچوب توسعه ملی افغانستان را ترسیم می کند، هیچ بحثی در مورد جامعه شهری یا گروه های سیاسی به میان نیاورده است."

به گفته وی، ایدئولوژی جدید توسعه افغانستان، در ژوئن ۲۰۰۸ توسط شهروندان افغانی و افغان های مقیم

تزلزل نظام سلطه آمریکا

جابه جایی هژمونی



آیا تاریخ، برگ جدیدی از بازی‌های ابرقدرت‌ها را ورق می‌زند؟

در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، بهداشت و آموزش، بسیار بحرانی است. البته نباید افزایش سریع قدرت سیاسی و نفوذ همسایگانی چون ایران و روسیه - که رقبای سنتی آمریکا در منطقه می‌باشند - را از نظر دور نگه داشت، چراکه با پشتیبانی دلارهای نفتی، زمینه را جهت نفوذ آمریکا در افغانستان کاهش داده‌اند.

حمایت ایران، روسیه و هند از عملیات نظامی علیه طالبان، مخالفت این سه کشور را با هر گونه آشتی بین نظامیان آمریکایی و جنگجویان طالبان نشان می‌دهد و نشانه‌ای صریح از تأثیرگذاری این کشورها بر تصمیمات آمریکا درباره افغانستان است. از طرف دیگر، چین با ذخیره ارزی ۲ هزار میلیارد دلاری خود، کشوری است که قابلیت تأثیرگذاری قابل توجهی بر سیاست‌های جهان امروز دارد. شاهد این مدعا، سفر

اخیر رییس جمهور پاکستان به چین است که در راستای تقاضای کمک از این کشور برای حل بحران‌های اقتصادی کشور متبوعش صورت گرفت - سفری که نشان‌دهنده استقلال پاکستان از دولت ایالات متحد آمریکا می‌باشد. این در حالی است که چین هنوز به وضوح نشان نداده است که چگونه می‌خواهد به کمک اقتصاد قدرتمندش، به قدرت‌نمایی سیاسی در دنیا بپردازد. در نهایت، یادآوری



این نکته جالب توجه است که آمریکا بعد از وقوع جنگ جهانی دوم و اعطای کمک‌های مادی به انگلیس برای جلوگیری از ورشکستگی آن کشور، از دولت بریتانیا خواست تا با دست برداشتن از اصول امپراطوری، نیروهای خارجی خود را از سایر کشورها بازگرداند. حال باید منتظر ماند و دید که درخواست‌های چین به عنوان قدرتی نوظهور از آمریکا چگونه خواهد بود؟ آیا باید منتظر بود تا تاریخ، برگ جدیدی از بازی ابرقدرت‌ها را ورق بزند؟ به نظر می‌رسد، دوران امپراطوری و ابرقدرتی آمریکا به پایان خود نزدیک شده باشد و کشورهایی چون روسیه و چین، به شدت در کمین هستند و معلوم نیست در آینده، چه اتفاقاتی رخ خواهد داد. ■

هر چند زمان زیادی از بحران اقتصادی آمریکا نمی‌گذرد، اما بعضی از تأثیرات به آرامی در حال نمایان شدن می‌باشند. با بررسی وضعیت فعلی آمریکا، بدون در نظر گرفتن این که در گذشته چگونه بوده است، می‌توان به دو نتیجه کلی دست یافت: اولاً اقتصاد سرمایه‌داری، بعد از این بحران به شدت به چالش کشیده شده و ثانیاً دوران حاکمیت نظامی آمریکا بر دنیا، با شکست پروژه‌های عراق و افغانستان، تقریباً به پایان خود نزدیک گردیده است.

می‌توان شباهت‌های زیادی بین فروپاشی بریتانیای کبیر، بعد از جنگ جهانی دوم - همزمان با آغاز عقب‌نشینی از هند در سال ۱۹۴۷ - و وضعیت فعلی آمریکا مشاهده کرد. بریتانیا در آن زمان، به طور مجازی، کاملاً شکست خورده بود و با تسلط ژاپن بر سنگاپور، انگلیس سیادت خود را به عنوان امپراطوری بزرگی که آفتاب در سرزمین‌های آن غروب نمی‌کرد، از دست داده بود.

قدرت ناکافی مادی و نظامی در مبارزه با حرکت استقلال‌طلبانه مردم هند، انگلیس را مجبور کرد که خیلی محترمانه از این شبه قاره خارج شود و آن را به مردم هند و پاکستان بسپارد.

مقایسه این وضعیت، با اوضاع فعلی آمریکا، مبین این حقیقت است که وقتی قدرت‌های بزرگ، پا به مهلکه فروپاشی می‌گذارند، این روند را نه به صورت

تدریجی، که به یکباره و با رسوایی‌های بزرگ می‌پیمایند. با این وجود، عزیز هاک، یکی از تحلیلگران بین‌المللی، معتقد است که انگلیس پس از خروج از هند و حمله ناموفق به مصر، قدرت و هیبت خود را در جهان از دست داد. شاید هم بتوان، شکست در کانال سوئز را پایان دوران امپراطوری بریتانیا نامید. هاک می‌نویسد: ضعف مالی کشور انگلیس به طور مستقیم بر روی وضعیت نظامی و ارتش این کشور تأثیر گذاشت و باعث فروپاشی آن شد. البته این تمثیل به این معنی نیست که آمریکا در آستانه ترک پاکستان، افغانستان و کشورهای اشغال شده‌ای است که به بهانه مبارزه با ترور، سال‌ها است که به تجاوز نظامی آنها پرداخته است؛ بلکه حتی در کوتاه مدت، باید حضور خود را در افغانستان تقویت کند، چراکه وضعیت این کشور

هستند. مواد غذایی، عمدتاً از ایران و پاکستان و لوازم خانگی از چین وارد این کشور می‌شوند. عمق فاجعه زمانی آشکار می‌شود که بدانیم در افغانستان، تولیدکنندگان در شرایط رقابتی نیستند و هیچ صنعت محلی، قادر به فراهم‌سازی منابع تولید در این کشور نمی‌باشد. در عوض، دولت افغانستان با وضع تعرفه‌های گمرکی اندک، به نام «اقتصاد بازار آزاد»، شرایط را برای تأمین نیازهای داخلی فراهم می‌کند. متأسفانه مردم این کشور، ظرف شش سال نوسازی، هنوز به وعده‌های آینده بهتر اقتصادی، محیط پایدار و رشد امنیت، دست نیافته‌اند. با وجود ارقام بالای رشد، منافع ناشی از آن ناچیز است، به طوری که در حدود ۴/۵ میلیون نفر در این کشور، با کمبود شدید غذا مواجه‌اند. بیش از نیمی از جمعیت افغانستان که در حدود ۲۴/۹ میلیون نفر است، زیر خط فقر زندگی می‌کنند و در حدود ۶/۶ میلیون نفر از مردم این کشور، قادر به تأمین حداقل نیازهای ضروری خود نیستند.

نارسیایی‌ها

طبق آمارهای رایج دولت، تنها ۲۰ درصد از جمعیت افغانستان به برق عمومی دسترسی دارند - آن هم در روزهای معین و برای ساعات محدود. از سوی دیگر، ظرفیت تولید الکتریسیته در این کشور، نسبت به سال ۱۹۷۸ کاهش یافته است. استراتژی توسعه ملی افغانستان، به شرح وظایف وزارت نیرو در این کشور پرداخته و همکاری‌های متناسب سازمان‌های ذیربط انرژی را در جهت افزایش ظرفیت تولید برق، مورد تأکید قرار داده است. به علاوه، میزان قابل توجهی از جاده‌ها که در این کشور ساخته و یا تعمیر شده‌اند، با مشکل نامنی مواجه هستند و این در حالی است که اقتصاد بازارمحور، بدون توجه به نیازهای اساسی مانند برق، آب و جاده‌ها، سرمایه‌گذاران را جهت مشارکت در رشد و توسعه این کشور، بی‌انگیزه کرده است. این امر باعث شده که تولید در افغانستان بسیار پرهزینه‌تر از وارد کردن کالاهای ارزان قیمت خارجی توسط تاجران باشد. ■